



ظرفیت حقوقی اجرای قطعنامه غیرالزام‌آور ۲۲۵۰ شورای امنیت در خصوص نقش جوانان در صلح‌سازی*



حانیه فرج‌اللهی* - دکتر مهدی ذاکریان امیری**

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

مسئولیت اولیه شورای امنیت، به عنوان یکی از ارکان سازمان ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و در این راستا مطابق فصل هفت منشور ملل متحد می‌تواند اقدام به تصویب قطعنامه‌های الزام‌آور برای سایر اعضای سازمان ملل متحد کند. اما صلاحیت شورای امنیت طبق سند موسس یک صلاحیت عام در خصوص صلح نیست؛ به دلیل احترام به حاکمیت سایر دولت‌های عضو و همچنین پیشگیری از ایجاد امتیاز و حق مضاعف برای این رکن، باید از شناخت صلاحیت ضمنی خودداری شود و این رکن سیاسی صرفاً در چارچوب صلاحیت‌های تفویض شده توسط سایر اعضای سازمان، می‌تواند اقدام به تصویب قطعنامه کند. صلح سه بعد دارد که شامل «ایجاد صلح»، «حفظ صلح» و «صلح‌سازی» می‌باشد. پرسش اصلی آن است که چگونه می‌توان اعتبار قطعنامه‌های غیرالزام‌آور شورای امنیت را در فرآیند صلح‌سازی حفظ کرد؟ در این مقاله که با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است، نتایج پژوهش حاکی از آن است که شورای امنیت صرفاً در دو مورد اول قادر به تصویب قطعنامه الزام‌آور است و در مورد «صلح‌سازی» صرفاً می‌تواند اقدام به صدور توصیه‌نامه کند و در نتیجه قطعنامه ۲۲۵۰ که در خصوص نقش جوانان در صلح و امنیت بین‌المللی است، فاقد ویژگی الزام‌آور می‌باشد و از این رو برای سایر اعضای سازمان ملل متحد صرفاً یک قطعنامه توصیه‌ای و اعلامی می‌باشد این مقاله با اتکا به اصول حقوق بین‌الملل، به‌ویژه دکرترین مسئولیت حمایت و اصل حق تعیین سرنوشت، راهکاری مفهومی و حقوقی برای حفظ اعتبار قطعنامه‌های جوانان ارائه کرده است و از این رهگذر، ظرفیت‌های مغفول در اجرای اسناد غیرالزام‌آور را از منظر حقوقی احیا می‌کند.

کلیدواژه‌گان: شورای امنیت، ابعاد صلح، مسئولیت حمایت، حق تعیین سرنوشت، صلاحیت، جوانان

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه حانیه فرج‌اللهی با عنوان «الزامات حقوقی بین‌المللی صلح‌سازی در دوران پساخصامه با تاکید بر غفور مرتکبان جنایات بین‌المللی» با راهنمایی دکتر مهدی ذاکریان امیریدر این مقاله استفاده شده است.

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه

آزاد اسلامی تهران، ایران. ایمیل: hanieh.farajollahi@iaui.ir

** دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

تهران، ایران. نویسنده مسئول / ایمیل: mzakerian@iaui.ir

مقدمه

از گذشته برای نام بردن منابع حقوق بین‌الملل، حقوقدانان را به ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع می‌دادند و اعلام می‌داشتند که منابع حقوق بین‌الملل عبارت اند از: «معاهدات بین‌المللی، عرف بین‌المللی، اصول عمومی حقوقی مقبول ملل متمدن، تصمیمات قضایی، دکترین و انصاف». درحالی‌که منابع حقوق بین‌الملل محدود به منابع مورد استناد دیوان بین‌المللی دادگستری نیستند و حتی شامل قواعد آمره و تصمیمات سازمان‌ها نیز می‌شوند. یکی از سازمان‌های بین‌المللی که تصمیماتش به عنوان یکی از منابع حقوق بین‌الملل به شمار می‌آید، سازمان ملل متحد می‌باشد. پس از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد به عنوان یک سازمان جهانی در سال ۱۹۴۵ تشکیل شد که سلف آن جامعه ملل بود. سند مؤسس این سازمان، منشور ملل است و طبق ماده ۷ آن، ارکان اصلی این سازمان شامل «مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومت، دیوان بین‌المللی دادگستری و دبیرخانه» می‌باشد. شورای امنیت به عنوان یک رکن سیاسی، دارای پانزده عضو (پنج عضو دائم و ده عضو غیردائم) است و می‌تواند مطابق این سند مؤسس اقدام به اتخاذ تصمیم کند؛ اما زمانی این تصمیم برای سایر اعضای سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا است که بر مبنای ماده‌های فصل هفت منشور ملل متحد باشد.

فصل هفت درخصوص «نقض صلح» می‌باشد و طبق ماده ۲۴ منشور، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با شورای امنیت است؛ همچنین باید متذکر شد که شمول صلاحیت سازمان‌های بین‌المللی به گستردگی صلاحیت دولت‌ها نمی‌باشد و سازمان‌های بین‌المللی صرفاً می‌توانند در چارچوب صلاحیت‌های تفویض شده توسط اعضای خویش اقدام به اتخاذ تصمیم کنند. یکی از قطعنامه‌هایی که در دسامبر سال ۲۰۱۵ توسط شورای امنیت با اتفاق نظر تصویب شد و هیچ یک از اعضای دائم شورای امنیت از امتیاز و تو استفاده نکردند، قطعنامه ۲۲۵۰ است. قطعنامه ذکر شده درخصوص اهمیت نقش جوانان در صلح و امنیت و علی‌الخصوص صلح‌سازی و پایدارسازی صلح می‌باشد. اگرچه ماهیت این قطعنامه از اهمیت زیادی برخوردار است اما به لحاظ شکلی، رکن تصویب کننده و با توجه به سند مؤسس سازمان ملل متحد باید تحلیل شود تا صلاحیت شورای امنیت در مورد ابعاد صلح احراز شود.

از طریق روش توصیفی - تحلیلی و تحلیل اسناد، سعی در پاسخ به این دو سوال است: شورای امنیت درخصوص چه ابعادی از صلح می‌تواند اقدام به تصویب قطعنامه الزام‌آور کند؟ در صورت غیرالزام‌آور بودن قطعنامه‌های «جوانان» نظیر ۲۲۵۰، چگونه می‌توان از منظر حقوق بین‌الملل اعتبار آن‌ها را حفظ و تقویت کرد؟ فرضیه مقاله آن است که از آنجایی که در این قطعنامه از سه واژه «ایجاد صلح»، «حفظ صلح» و «صلح‌سازی» استفاده شده و صرفاً مورد دوم در فصل هفت منشور ملل متحد آمده، به نظر می‌رسد که شورای امنیت از حدود صلاحیت خودش فراتر رفته است اما شاید بخش‌های دیگر این قطعنامه بتواند ذیل ماده‌های فصل هفت و مقاصد منشور قرار گیرد تا از بی‌اعتبار شدن این قطعنامه جلوگیری کرد و یا با پیوند مفهومی قطعنامه‌های جوانان با اصول الزام‌آور حقوق بین‌الملل، مانند دکترین مسئولیت حمایت، بتوان اعتبار حقوقی و سیاسی آن‌ها را حفظ نمود.

هدف و اهمیت این مقاله از این جهت است که محدوده صلاحیت‌های سازمان ملل متحد را ذیل

صلاحیت تفویض شده از سوی دولت‌ها قرار دهیم تا از اعمال اقتدارات خارج از سند موسس جلوگیری شود و مداخله‌ای در امور داخلی کشورها صورت نگیرد و در نتیجه قطعنامه‌های تصویب شده از سوی این سازمان با اعتراض‌های گسترده دولت‌ها مواجه نشود.

۱- پیشینه موضوع

درخصوص پیشینه این مقاله لازم به توضیح است که تعداد کمی از حقوقدانان درخصوص این موضوع در عرصه بین‌الملل سخن گفته‌اند اما آنها به طور اجماع موافق نقش مهم جوانان در صلح هستند. برای نمونه در مقاله «نهادینه کردن یک دیدگاه ریشه‌ای: ایده جوانان و دستور کار جوانان، صلح و امنیت» اعلام می‌دارد که جوانان، به ویژه آنهایی که تحت تأثیر درگیری یا ناامنی هستند، باید در بحث‌ها و تصمیمات مربوط به رسیدگی و حل این مسائل و (بازسازی) جامعه گنجانده شوند و پتانسیل آن را دارد که مفاهیم تخصص و دانش را به چالش بکشد، روابط قدرت تثبیت شده را بر هم بزند و ایده‌های ریشه‌دار و عمیق در مورد اینکه «جوانان» چه کسانی هستند و چگونه باید مشارکت کنند را آشکار کند (Berents, 2024:abstract).

همچنین منابع دیگری که می‌توان به آنها اشاره کرد، مقاله «قدرت، مشارکت و جوانان به عنوان کارآفرینان عادی: دستیابی به قطعنامه ۲۲۵۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره جوانان، صلح و امنیت» که علاوه بر رد کم اهمیت جلوه دادن موضوع جوانان، اظهار می‌کند که «کنار گذاشتن جوانان از توجه به عنوان بازیگران سیاسی، مبتنی بر برداشت‌های غالبی است که جوانان را از دریچه کمبود یا خطر می‌بیند. جوانان، به ویژه در زمینه‌های متأثر از جنگ، مدت‌هاست که به دلیل سنشان به عنوان نماینده بی‌تجربگی، فاقد ظرفیت مشارکت توصیف شده‌اند. علاوه بر این، جوانان اغلب ذاتاً به عنوان خرابکاران بالقوه برای ایجاد صلح، آسیب‌پذیر در برابر استخدام و مایل به شرکت در خشونت دیده می‌شوند. چنین چارچوب‌بندی‌هایی به طور گسترده به چالش کشیده شده و رد شده‌اند و حمایت از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد چنین توصیفاتی را رد می‌کند» (Berents, 2022: introduction)

کتاب «جوانان، صلح و امنیت: تحلیل کیفی قطعنامه ۲۲۵۰ شورای امنیت سازمان ملل و واکنش بین‌المللی به یک دستور کار امنیتی جدید» که بر نقش حیاتی جوانان در عرصه سیاست تأکید دارد و اعلام می‌کند که «نقش‌آفرینی جوانان به‌طور فزاینده‌ای اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، نه تنها در صلح‌سازی، جایی که فعالیت‌های جوان‌محور در راستای صلح در حال تجربه سرمایه‌گذاری فزاینده‌ای هستند، بلکه همچنین در مبارزه با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و پیشگیری از جذب بیشتر جوانان در گروه‌های افراطی. جوانان گروهی به حاشیه رانده شده محسوب می‌شوند، از این جهت که

¹ Institutionalising a radical vision: The idea of youth, and the Youth, Peace and Security agenda.

² Power, Partnership, and Youth as Norm Entrepreneurs: Getting to UN Security Council Resolution 2250 on Youth, Peace, and Security.

³ Youth, peace and security: A qualitative analysis of UNSCR 2250 and the international response to a new security agenda.

آن‌ها درگیر شدن و فعال بودن در نهادهای سیاسی را با دشواری تجربه می‌کنند. طرد شدن از عرصه‌های مذکور نشان داده است که جوانان را بیشتر مستعد گرایش به سمت تمایلات افراطی می‌سازد» (Anderson, 2019: 75,76).

مقاله «جوانان، صلح و امنیت» که ضمن تاکید بر اختلاف نظرها درخصوص اینکه آیا شورای امنیت باید به موضوع جوانان رسیدگی کند یا خیر، متذکر می‌شود که «مشارکت مثبت جوانان می‌تواند عاملی در حل و فصل مخاصمه‌ها شناخته شود» (Stradiotto, 2024).

به مقاله دیگری که می‌توان اشاره کرد، مقاله «صلح به رهبری جوانان: نقش جوانان در فرآیندهای صلح» است که درخصوص چالش‌های پیش‌روی جوانان می‌باشد و به موضوعاتی مانند بررسی موانع و راهبردهای فرآیندهای صلح فراگیر جوانان، بررسی پیشرفت دستور کار جوانان، صلح و امنیت و... می‌پردازد.

ملاحظه می‌شود که اکثر مقاله‌های موجود به لحاظ ماهیتی بحث جوانان را تحلیل کردند و بر اهمیت حضور جوانان تاکید ورزیدند، اما به لحاظ شکلی که چه نهادی قادر به اتخاذ تصمیم الزام‌آور در خصوص این قشر می‌باشد، سکوت کرده‌اند. اکنون که اهمیت این موضوع از نظر حقوق‌دانان معین شد، نیاز به بررسی تاریخی و حدود اعتبار قطعنامه‌های مربوط به جوانان به لحاظ شکلی می‌رسد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- چارچوب مفهومی

مسئولیت حمایت، یکی از قواعد اساسی در نظام حقوق بین‌الملل است که بر اساس تحولات مفاهیمی مانند حاکمیت، اصل منع مداخله و مداخله بشردوستانه ایجاد شده است. بر این اساس، مسئولیت حمایت از افراد در صورت بروز جنایت جنگی بر عهده دولت‌هاست (Najandimanesh et al., abstract: 2024)؛ (نژندی‌منش و دیگران، ۱۴۰۳: چکیده).

مفهوم مسئولیت حمایت از خود مفهوم «حاکمیت» گرفته شده است. بدین معنا که حاکمیت سبب ایجاد «مسئولیت» در برابر افراد می‌شود و در صورتی که کشوری مایل یا قادر به حفاظت از شهروندان خودش نداشته باشد، این مسئولیت به جامعه بین‌الملل تفویض می‌شود اما کشورهای دیگر حق سوءاستفاده از این مفهوم را ندارند. به دیگر سخن، هرگاه مردمی در اثر جنگ داخلی یا شورش و وجود رژیم‌های سیاسی سرکوب‌گر و اقتدارگرا موضوع ارتکاب جنایت‌های بین‌المللی شوند و دولت متبوع آنها حاضر نباشد یا توانایی پایان بخشیدن به ارتکاب چنین جنایت‌هایی را نداشته باشد و یا حتی از انجام اقدامی برای جلوگیری از ارتکاب آنها امتناع کند، مسئولیت بین‌المللی حمایت و حفاظت از مردم بر اصل عدم مداخله اولویت می‌یابد (Beigzadeh, 2023: 818)؛ (بیگ‌زاده، ۱۴۰۲: ۸۱۸). از مواردی که می‌توان به عدم تمایل یا توانایی یک دولت پی برد، محروم سازی ساختاری یا تبعیض علیه گروه‌های قومی، مذهبی، جنسیتی و علی‌الخصوص جوانان است.

^۱ Youth, peace and security

^۲ Youth-led peace: The role of youth in peace processes

۲-۲- مبانی نظری

هسته حقوق بین‌الملل معاصر بر مدار صلح و امنیت می‌باشد. ضرورت تشکل و همانندی (صلح) از واکنش منطقی روح انسان در قبال هرج و مرج، عدم ثبات و پراکندگی پدید می‌آید (Falsafi, 2022: 37)؛ (فلسفی، ۱۴۰۱: ۳۷). از نظر دکتر فلسفی، صلح به نوعی همانندی است. اما از نظر یوهان گالتونگ، صلح به معنای بدست آوردن وضعیت وفاق عام است (Galtung, 1969: 167). پس مطالعه صلح به عنوان هسته حقوق بین‌الملل امری انکارناپذیر است. تا پیش از ایجاد سازمان‌های بین‌المللی، تنها تابع حقوق بین‌الملل، دولت‌ها بودند. سازمان‌های بین‌المللی بدون اینکه بتوانند نهاد دولت را از میان ببرند یا خود به دولت جهانی یا منطقه‌ای تبدیل شوند، توانستند شکاف‌های ایجاد شده در تک بعدی بودن جامعه بین‌المللی را پر کنند (Shahmirzaei, 2023: 11)؛ (شاه میرزایی، ۱۴۰۲: ۱۱). از نهادهایی که در سطح بین‌الملل می‌تواند در مسیر صلح نقش آفرینی کند، سازمان ملل متحد است. یکی از قالب‌هایی که برای تصمیمات سازمان ملل متحد می‌توان نام برد، قطعنامه می‌باشد. یکی از قطعنامه‌های صادره، در خصوص جوانان است. تعریف اصطلاح جوانی دشوار است. یکی از معیارهای تعریف «جوانان» براساس سن است. تعریف سنی «جوانان»، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بین ۱۵ تا ۲۴ سال است، اما در چارچوب قطعنامه ۲۲۵۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد، بین ۱۸ تا ۲۹ سال تعریف شده است (Anderson, 2019: 4).

۳- تاریخچه

در سال ۱۹۸۵، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب «قطعنامه سال جهانی جوانان: مشارکت، توسعه و صلح»، اهمیت مشارکت جوانان را مورد تأکید قرار داد. طی این قطعنامه به موارد زیر پرداخته شد: «با اذعان به اهمیت عمیق مشارکت مستقیم جوانان در شکل‌دهی به آینده بشریت و سهم ارزشمندی که جوانان می‌توانند در تمام بخش‌های جامعه داشته باشند، و همچنین تمایل آنها برای بیان ایده‌هایشان در مورد ساختن جهانی بهتر و عادلانه‌تر که در آن بتوانند به اهداف «سال بین‌المللی جوانان: مشارکت، توسعه، صلح» دست یابند، و با توجه به اینکه اشاعه آرمان‌های صلح، احترام به حق‌های بشر و آزادی‌های اساسی، همبستگی انسانی و فداکاری در جهت اهداف پیشرفت و توسعه در بین جوانان ضروری است، و با اعتقاد به اینکه جوانان باید تشویق شوند تا انرژی، اشتیاق و توانایی‌های خلاقانه خود را در خدمت توسعه ملی، رعایت اصول منشور سازمان ملل متحد، تحقق حق تعیین سرنوشت و استقلال ملی، احترام به حاکمیت و عدم مداخله قرار دهند» (A/RES/40/14, 1985: preamble).
با این حال با وجود این قطعنامه، این موضوع تا سال ۲۰۱۵، وارد ادبیات رسمی حوزه صلح و امنیت نشد. نقش جوانان در صلح و مخاصمه از سال ۲۰۱۵ و با تصویب قطعنامه ۲۲۵۰ شورای امنیت سازمان ملل در مورد جوانان، صلح و امنیت به موضوعی جهانی امنیت تبدیل شد. یکی از قطعنامه‌هایی که شورای امنیت با اتفاق نظر تصویب کرده است، قطعنامه ۲۲۵۰ مورخ دسامبر سال ۲۰۱۵ می‌باشد. قطعنامه‌ای که در خصوص جوانان، به عنوان بخشی از جمعیت غیرنظامیان، می‌باشد و اظهار می‌دارد که این قشر (۱۸ تا ۲۹ سال) می‌تواند تأثیر بسزایی در حفظ و ترویج صلح و امنیت بین‌المللی ایفا کند.

در عنوان دستور جلسه قطعنامه ۲۲۵۰ از عبارت «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» استفاده کردند اما این قطعنامه محدود به بخشی از ابعاد صلح نمی‌باشد؛ بلکه اعلام می‌کند که جوانان نقش مهمی را در جلوگیری، حل و فصل مخاصمه‌ها، پایدارسازی صلح، حفظ صلح و «صلح‌سازی» ایفا می‌کنند. اگرچه ماهیت این قطعنامه حمایتی است و تلاش بر این بوده که توجه جامعه ملل را به سمت مسأله جوانان جلب کند و آینده بهتری رقم بخورد، اما همین موضوع می‌تواند تبدیل به شکافی شود که در طولانی مدت نتوان از آن جلوگیری کرد. امروزه بسیاری معتقدند که قطعنامه ۲۲۵۰ شورای امنیت، روشی نوین برای پرداختن به موضوع جوانان در روابط بین‌الملل ارائه داده و فرصت‌های جدیدی برای مشارکت معنادار آنان در روند صلح‌سازی فراهم کرده است. ساختار جمعیتی جوانان باید دلیلی مهم برای مشارکت آنان در شرایط گذار، نه فقط در زمان درگیری‌های فعال، به شمار رود. در بسیاری از موارد، جوانان منبع اصلی نیروی رزمی هم در ارتش‌های شورشی و هم در نیروهای نظامی دولتی هستند. این آمار به تنهایی اهمیت گنجاندن جوانان در تلاش‌های حل منازعه و صلح‌سازی را برجسته می‌کند. نه فقط به این دلیل که آن‌ها بخش بزرگی از جمعیت جوامع مخاصمه و پسامخاصمه هستند، بلکه چون در نهایت این آینده آن‌هاست که از میان خرابه‌های جنگ ساخته می‌شود (Anderson, 2019: 28-29).

۴- بازاندیشی حقوقی در صلح‌سازی: از نقد ساختارها تا راهکاری نوین

در این مقاله، ضمن تعریف و تشریح مفاهیم کلیدی مانند صلح، مشروعیت قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و... تلاش شده است تا موضوع این مقاله در بستر حقوقی و عملی شورای امنیت با تمرکز بر کاربردهای عملی آنها، به صورت منسجم و مستدل ارائه شود.

۴-۱- رویکردهای بنیادین در مدیریت مخاصمه‌ها با محوریت صلح

گالتونگ یک گونه‌شناسی سه‌گانه ارائه داد که میان سه مفهوم «ایجاد صلح»^۱، «حفظ صلح»^۲ و «صلح‌سازی»^۳ تمایز قائل می‌شود تا تلاش‌های مداخله‌گران ثالث را هدایت کند و نقش‌های متفاوت موردنیاز را مشخص سازد. «ایجاد صلح»، که عمدتاً تحقیقات در زمینه مخاصمه‌ها بر آن متمرکز بوده است، به فرایند مذاکراتی اشاره دارد که میان تصمیم‌گیرندگان برای دستیابی به یک توافق رسمی یا حل و فصل مخاصمه خاص صورت می‌گیرد و به بیان دیگر می‌توان گفت «ایجاد صلح» به معنای مذاکره در مورد یک توافقنامه صلح است که می‌تواند به یک مخاصمه پایان دهد (Gawerc, 2006: 439). یکی از کارکردهای «ایجاد صلح»، ایجاد وفاق عام (نه اجماع)^۴ است. شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان یک نهاد سیاسی، بر ایجاد وفاق عام تمرکز دارد، حتی اگر تصمیماتی را با اتفاق نظر اتخاذ نکند (A/55/305-S/2000/809, 2000: Para.56). در طول دهه گذشته، موفقیت‌ها و معاهدات

¹ S/PV.7573(2015)

² Peacemaking

³ Peacekeeping

⁴ Peace-building

⁵ Consensus

صلح آمیز نادرتر شده است و سازمان ملل متحد هنری را که زمانی در آن تسلط داشت، تقریباً از دست داده است؛ بسیاری از این موارد را می‌توان به عوامل ساختاری نسبت داد و برخی را می‌توان به عوامل بیرونی نسبت داد (مانند پیچیدگی فزاینده تعارض که نیاز به پاسخ لایه‌ای و ریشه‌ای بیشتری دارد) (Harland, 2018: 3,8). «حفظ صلح» شامل مداخله طرف ثالث به منظور جداسازی گروه‌های متخاصم و همچنین شامل حفظ نبود خشونت مستقیم (یا کاهش آن) است و فصل ششم منشور ملل متحد فهرست جامعی از ابزارها را برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات ارائه کرده است (Gawerc, 2006: 439).

در این راستا می‌توان به ماده ۳۳ و ۳۴ منشور اشاره کرد. عملکرد اصلی «حفظ صلح» تسهیل انتقال از حالت مخاصمه به حالت صلح است؛ این موضوع به آن لقب «جایگاهی نیمه‌راه بین صلح و جنگ»^۲ را داده است و بر سه اصل سیاسی استوار است: حفظ رضایت دولت میزبان (یا دولت‌های میزبان) و طرف‌های درگیر در منازعه؛ عمل به‌طور بی‌طرفانه؛ و رفتار به شیوه‌ای غیرخشونت‌آمیز و غیرتهدیدآمیز. «حفظ صلح» در دوران جنگ سرد معمولاً شامل نیروهای نظامی تحت فرماندهی سازمان ملل متحد بود که جداسازی نیروها یا آتش‌بس‌ها را نظارت می‌کردند. با چند استثنا، آنها بین طرف‌های متخاصمی که توافق کرده باشند جنگ را متوقف کنند و حضور نیروی سازمان ملل را بپذیرند، مستقر می‌شدند. «نیروهای حافظ صلح» برای ایجاد تثبیت در مناطق درگیری، کاهش تنش و کمک به حل منازعات اعزام می‌شدند، اما اگر سه اصل فوق رعایت نمی‌شد، در خطر کشیده شدن به حالت مخاصمه بودند (Dawson, 2004: 1). منظور از «حفظ صلح سازمان ملل متحد»، به مجموعه عملیات سازمان‌یافته نظامی و غیرنظامی سازمان ملل متحد اطلاق می‌شود که به منظور پیشگیری، محدود کردن، کاهش یا پایان بخشیدن به مخاصمه‌ها اعم از مخاصمه‌های میان کشورها با یکدیگر یا مخاصمه‌های غیربین‌المللی و به‌طور کلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام می‌گیرد. این عملیات را نیروهای نظامی یا غیرنظامی کشورهای داوطلب عضو سازمان و با مجوز و با نظارت شورای امنیت سازمان ملل متحد برعهده می‌گیرند. به‌طور دقیق‌تر، از آنجایی که سازمان ملل از خود ارتشی ندارد، به کمک‌های داوطلبانه نیروها توسط کشورهای عضو وابسته است و به‌طور معمول، شورای امنیت با قطعنامه‌ای مجوز عملیات «حفظ صلح» را صادر می‌کند (Najafi Asfat et.al., 2024: 1849)؛ (نجفی اسفاد و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۸۴۹).

همچنین باید متذکر شد که یکی دیگر از قواعد «حفظ صلح» استفاده از زور فقط در دفاع از

۱. ماده ۳۳: ۱- طرفین هر اختلاف که ادامه آن محتمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به موسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسایل مسالمت‌آمیز بنا به انتخاب خود راه حل آن را جستجو نمایند؛ ۲- شورای امنیت در صورت اقتضا از طرفین اختلاف خواهد خواست که اختلافات خود را با شیوه‌های مزبور حل و فصل نمایند.

ماده ۳۴: شورای امنیت می‌تواند هر اختلاف یا وضعیتی را که ممکن است منجر به یک اصطکاک بین‌المللی گردد یا اختلافی ایجاد نماید مورد رسیدگی قرار دهد بدین منظور که تعیین نماید آیا محتمل است ادامه اختلاف یا وضعیت مزبور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بی‌اندازد.

². A halfway house between peace and war

خود است (A/55/305-S/2000/809, 2000: Para.48). در خصوص دفاع از خود می‌توان به ماده ۲(۴) و ماده ۵۱ منشور ملل متحد اشاره کرد. بدین معنا که برای حفظ صلح، دولت‌ها نمی‌توانند در هر زمانی متوسل به زور شوند، مگر آنکه حق دفاع برای آن‌ها طبق فصل هفت منشور ملل متحد مسلم شود. طبق آنچه که در گزارش «دستور کار صلح» دبیرکل سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ آمده: «هنگامی که درگیری آغاز می‌شود، تلاش‌های تقویت‌کننده متقابل برای «ایجاد صلح» و «حفظ صلح» وارد عمل می‌شود» (An agenda for peace report, 1992: Para.57). استقرار نیروهای «اجرای صلح» و «حفظ صلح» ممکن است برای خاتمه دادن به مخاصمه‌ها ضروری باشد اما برای بهبودی بلند مدت کافی نیست. همچنین زمانیکه نیروهای حافظ صلح کشوری را ترک می‌کنند، آن کشور از رادار و توجه شورای امنیت خارج می‌شود (A more secure world, 2004: Para.224,225).

اما «صلح‌سازی» که کمترین درک از آن وجود داشته، کمتر مورد توجه محققان مخاصمه قرار گرفته است. به اعتقاد کانت، وضع صلح در میان انسان‌هایی که باهم زندگی می‌کنند، وضع طبیعی نیست؛ این وضع بیشتر وضع جنگی یا دست‌کم فتح باب مخاصمه یا تهدید دائم به مخاصمه است (Falsafi, 2022: 126)؛ (فلسفی، ۱۴۰۱: ۱۲۶). «صلح‌سازی» بر محیط اجتماعی، روانی و اقتصادی متمرکز است. هدف آن ایجاد ساختاری برای صلح بر مبنای عدالت، برابری و همکاری (یعنی صلح مثبت) است تا بدین وسیله علل ریشه‌ای^۳ خشونت کاهش یابد و احتمال بروز آن در آینده کمتر شود (Gawerc, 2006: 439). در واقع ریشه‌های خشونت، تکیه‌گاه اصلی جنگ^۴ هستند و در صورت عدم رفع آن، احتمال بروز جنگ باقی می‌ماند. هرچند به تعبیر برخی‌ها، اصطلاح علل ریشه‌ای فاقد جنبه پویایی است و به همین دلیل بیشتر از «محرک‌های درگیری خشونت‌آمیز»^۵ استفاده می‌کنند (Cahill Ripley and Hendrick, 2018: 11).

همچنین در ادامه باید متذکر شویم که «صلح‌سازی» با «حفظ صلح» مرتبط است و برای موفقیت باید همان اصول سه‌گانه فوق را رعایت کند (Dawson, 2004: 2). تعاریف متعددی از «صلح‌سازی» وجود دارد؛ خود اصطلاح «صلح‌سازی» برای اولین بار از طریق یوهان گاتلونگ که خواستار ایجاد ساختارهای صلح‌سازی برای ترویج صلح پایدار با پرداختن به «علل ریشه‌ای» درگیری‌های

۱. ماده ۲(۴): کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبیانت داشته باشد خودداری خواهند نمود.

۲. ماده ۵۱: در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد تأثیری نخواهد داشت.

۳. Root causes

۴. Mainstay of war

۵. Drivers of violent conflict

خشونت‌آمیز ظهور کرد و پس از گزارش «دستور کار صلح»^۱ در سال ۱۹۹۲ توسط بطرس بطرس غالی که «صلح‌سازی» را اقدامی برای تحکیم صلح و جلوگیری از بازگشت مجدد درگیری‌ها تعریف می‌کرد، «صلح‌سازی» در سازمان ملل به مفهومی آشنا تبدیل شد؛ همچنین از دیگر تعریف‌ها برای «صلح‌سازی»، می‌توان به تعریف کمیته سیاست دبیرکل اشاره کرد: «صلح‌سازی شامل مجموعه‌ای از اقدامات است که با تقویت ظرفیت‌های ملی در همه سطوح برای مدیریت مخاصمه، کاهش خطر یا بازگشت مجدد به درگیری، و ایجاد پایه‌های صلح و توسعه پایدار را هدف قرار می‌دهد (UN peacebuilding support office, 2010: 5). «صلح‌سازی» معمولاً یک فرآیند طولانی مدت است. این یک فرآیند صرفاً سیاسی، امنیتی و توسعه‌ای نیست، بلکه باید عناصر اقتصادی، اجتماعی و حقوق بشری را به شیوه‌ای منسجم و یکپارچه گرد هم آورد. صلح‌سازان مدتی است که برای تغییر توجه از «آنچه مانع می‌شود» به «آنچه مؤثر است»، بحث می‌کنند (Cahill Ripley and Hendrick, 2018: 12). البته به دلیل واقعیت پیچیده، دیوید هولم و جاناناتان گودهند استدلال می‌کنند که «تأثیر» یک مفهوم مناسب برای اندازه‌گیری فعالیت‌های «صلح‌سازی» نیست و آنچه ما می‌توانیم انجام دهیم این است که «افزایش یا کاهش احتمال صلح یا مخاصمه» را بررسی کنیم (Gawerc, 2006: 451). اما به صورت کلی درخصوص موارد موثر در «صلح‌سازی» باید متذکر شویم که «صلح‌سازی» علاوه بر اینکه در مورد «چگونگی انجام شدن» هست، در مورد «چه چیزهایی انجام شده» نیز می‌باشد. تقویت یا بازسازی پایه‌های جامعه‌ای که بر اثر درگیری از هم پاشیده شده، کار معمولی نیست. درگیری و خشونت طولانی، نه تنها تخریب فیزیکی و نابسامانی نهادی را پشت سر می‌گذارد، بلکه یک بافت اجتماعی پاره پاره شده را به همراه دارد که مشخصه آن بی‌اعتمادی، دلهره و مشکلات عظیم است (UN peacebuilding support office, 2010: 1,14).

۴-۲- نقش جوانان در فرآیند صلح‌سازی

مطابق مقدمه قطعنامه ۲۲۵۰، اکثر جمعیت هر کشوری را جوانان تشکیل می‌دهد و این قشر در برابر آسیب‌های منفی مخاصمه‌های مسلحانه تأثیرپذیر هستند. با وجود اینکه جوانان به طرق مختلف عمیقاً تحت تأثیر خشونت قرار گرفته‌اند، صدای آنها شنیده نمی‌شود و در فرآیندهای حل مخاصمه و صلح‌سازی گنجانده نمی‌شود؛ همچنین اکثر جوانان به عنوان محرک بی‌ثباتی و عاملان خشونت یا خرابکاران بالقوه‌ای دیده می‌شوند که باید از تحت تأثیر قرار گرفتن و افراط‌گرایی محافظت شوند (Ozcelik et.al., 2021: introduction).

با وجود آنکه بیشتر نیروهای مسلح را قشر جوان تشکیل می‌دهد اما نباید آنها را صرفاً تهدید بدانیم، بلکه می‌توان از آنها به عنوان عامل صلح یاد کرد. اغلب، جوانان در خشونت شرکت می‌کنند نه به این دلیل که ذاتاً مستعد خشونت هستند، بلکه به این دلیل که به دلیل طیف وسیعی از عوامل اجتماعی،

¹. An agenda for peace

². Boutros Boutros Ghali

³. David Hulme

⁴. Jonathan Goodhand

اقتصادی و سیاسی محیطشان، هیچ جایگزین خوبی برای آنها در دسترس نیست (Berents, 2022: 3). پنج ستون کلیدی قطعنامه ۲۲۵۰ درخصوص جوانان عبارت‌اند از: الف) مشارکت در حل و فصل مخاصمه‌ها، ب) حمایت، ج) پیشگیری، د) مشارکت و ه) جداشدن از درگیری و بازپوستن به جامعه است. مطابق پاراگراف ۱۵، از دیدگاه قطعنامه مذکور یکی از عواملی که می‌تواند تبدیل به تروریسم شود، افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در میان جوانان است و از راه‌حل‌هایی که این قطعنامه ارائه می‌کند، توانمندسازی این قشر و جلوگیری از جذب نیرو به این افراط‌گرایی خشونت‌آمیز است. آنچه که درخصوص جلوگیری مشاهده می‌شود، دیپلماسی پیشگیرانه از سوی سازمان ملل متحد است. مطابق اسناد بین‌المللی، درواقع صلح‌سازی نیز به نوعی دیپلماسی پیشگیرانه است (An agenda for peace report, 1992: Para.59). رویکردی که می‌تواند سبب صلح پایدار شود. اما همانطور که در مقدمه این مقاله ذکر شده، شورای امنیت درخصوص چه ابعادی از صلح می‌تواند اقدام به تصویب قطعنامه الزام‌آور کند؟

۴-۳- تحلیل صلاحیت شورای امنیت در صدور قطعنامه‌های الزام‌آور صلح‌سازی

شورای امنیت به عنوان یک رکن سیاسی در سازمان ملل متحد صرفاً می‌تواند درخصوص «ایجاد صلح» و «حفظ صلح» مطابق فصل هفتم منشور ملل متحد اقدام به صدور قطعنامه‌های الزام‌آور کند. اما دراستدلال اینکه چرا قادر به صدور قطعنامه درخصوص «صلح‌سازی» نمی‌باشد، باید مجدداً به پاراگراف ۲۲۵ سند «A more secure world» اشاره کنیم که اظهار می‌دارد: «زمانی که نیروهای حافظ صلح از یک کشور خارج می‌شوند، آن کشور از رادار و توجه شورای امنیت خارج می‌شود». در نتیجه می‌توانیم مدعی شویم که صلاحیت شورای امنیت درخصوص ابعاد صلح نامحدود نمی‌باشد و صرفاً تا مرحله ایجاد صلح و حفظ صلح می‌تواند قطعنامه‌های الزام‌آور صادر کند. همچنین اهمیت جلوگیری از تکرار مخاصمه در منشور ملل متحد نیز لحاظ شده و می‌توان به مقدمه ماده (۱) اشاره کرد که به طور غیرمستقیم بر اهمیت مفهوم جدید «صلح‌سازی» تأکید کرده است اما در فصل هفت منشور ملل متحد شاهد مشابه آن نیستیم و صرفاً در ماده ۴۰ از فصل هفت اعلام شده که به منظور «جلوگیری از وخامت وضعیت» شورای امنیت می‌تواند توصیه کند یا تصمیم بگیرد. اما درخصوص تکرار مخاصمه چنین ماده‌ای در فصل هفت منشور وجود ندارد. در گزارش «دستور کار صلح» سال ۱۹۹۲ اشاره شده است که «صلح‌سازی»، «هم‌ردیف و همتای دیپلماسی پیشگیرانه»^۳ است و به دنبال جلوگیری از فروپاشی شرایط صلح می‌باشد که ممکن است توسط دبیر کل شخصاً یا از طریق کارکنان

۱. بخشی از مقدمه: با تصمیم به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ که دوبار در مدت یک عمر انسانی، بشر را دچار مصائب غیرقابل بیان نموده است.

۲. ماده (۱): مقاصد ملل متحد به این قرار است: حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته جمعی و موثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل.

۳. Counterpart of preventive diplomacy

ارشد یا آژانس‌ها و برنامه‌های تخصصی، توسط شورای امنیت یا مجمع عمومی و توسط سازمان‌های منطقه‌ای با همکاری سازمان ملل انجام شود و در واقع «صلح‌سازی پسامخاصه» برای جلوگیری از تکرار مخاصمه است (An agenda for peace report, 1992: Para.57,23).

هرچند با توجه به استدلال‌های گذشته می‌توان اظهار کرد که ارکان نام برده شده صرفاً می‌توانند توصیه کنند و صلاحیتی در خصوص اتخاذ تصمیم الزام‌آور ندارند. از سوی دیگر می‌توان قطعنامه ۲۵۷ مجمع عمومی در سال ۲۰۲۳^۱ و قطعنامه ۱۶۴۵ شورای امنیت در سال ۲۰۰۵^۲ را نام برد که لزوم ایجاد کمیسیون صلح‌سازی^۳ و صندوق صلح‌سازی^۴ را یادآوری می‌کند و «صلح‌سازی پسامخاصه» را برای بدست آوردن «صلح پایدار»^۵ لازم می‌داند. اما کمیسیون صلح‌سازی به عنوان یک نهاد مشورتی بین‌دولتی می‌باشد و هدف اصلی این کمیسیون، گردهم‌آوردن تمام عوامل مرتبط برای سازماندهی منابع و ارائه مشاوره و پیشنهاد استراتژی‌های یکپارچه برای صلح‌سازی و بهبود شرایط پسامخاصه است (A/RES/60/1, 2005: Para.97,98). وظایف اصلی کمیسیون صلح‌سازی باید شامل چنین مواردی باشد: شناسایی کشورهایی باشد که تحت فشار هستند و در معرض خطر فروپاشی دولت قرار دارند؛ سازماندهی در همکاری با دولت ملی بابت کمک‌های پیشگیرانه برای جلوگیری از توسعه بیشتر این روند (خصمانه)؛ کمک به برنامه‌ریزی برای گذار از حالت خصمانه و همچنین صلح‌سازی پسامخاصه؛ و به‌ویژه بسیج و حفظ تلاش‌های جامعه بین‌المللی در صلح‌سازی پسامخاصه به هر مدتی که لازم باشد (A more secure world, 2004: Para.264). صندوق صلح‌سازی نیز به عنوان یک صندوق مشترک از پیش تعیین‌شده، کاتالیزوری، واکنش سریع و انعطاف‌پذیر که تأمین مالی فعالیت‌های مربوط به پایدارسازی صلح در کشورهای آسیب‌دیده از مخاصمه را بر عهده دارد (A/RES/70/262, 2016: 3).

از این رو می‌توان اظهار داشت که شورای امنیت از طریق کمیسیون صلح‌سازی نیز قادر به تصویب قطعنامه الزام‌آور نیست؛ چراکه این کمیسیون صرفاً نقش مشورتی دارد. فصل هفت سند موسس سازمان ملل متحد نیز از واژه‌هایی مانند «maintain» استفاده کرده است که معادل همان «keep» در اصطلاح «حفظ صلح» می‌باشد و نامعقول نیست که بگوییم شورای امنیت صرفاً تا این بُعد از صلح را می‌تواند رسیدگی الزام‌آور کند. برخلاف حقوقدانانی که برای سازمان‌هایی چون سازمان ملل متحد قائل به صلاحیت ضمنی می‌باشند، استدلال‌های این پژوهش در چارچوب سند موسس می‌باشد و از شناخت صلاحیت ضمنی بدون موافقت سایر اعضای سازمان ملل خودداری می‌کند؛ چرا که اساس و مبنای سازمان ملل متحد، توافق دولت‌ها به عنوان تابعان (واضع و موضوع) حقوق بین‌الملل می‌باشد.

¹. A/RES/78/257(Page2) (2023)

². S/RES/1645(Page1 & Para.1) (2005)

³. Peace-building commission

⁴. Peace-building fund

⁵. Sustainable peace

۴-۴- استمرار: سازوکار ایجاد حق در حقوق بین‌الملل

قطعه‌نامه ۲۲۵۰ با اینکه اولین قطعه‌نامه در خصوص جوانان بود، اما آخرین نبود. پس از قطعه‌نامه ۲۲۵۰، قطعه‌نامه ۲۴۱۹ مورخ سال ۲۰۱۸ و قطعه‌نامه ۲۵۳۵ مورخ ۲۰۲۰ نیز روی کار آمدند و تمام آن‌ها بر نقش جوانان در «صلح‌سازی» تأکید داشتند. گویی شورای امنیت برای خویش یک حقی در خصوص اتخاذ تصمیم در فرآیند صلح‌سازی ایجاد کرده است و در آینده نه چندان دور نیز می‌تواند تصویب چنین قطعه‌نامه‌هایی را تکرار بخشد.

طبق نظریه واقع‌گرایی، استمرار چهره غالب نظام بین‌الملل است (Mir Abbasi et al., 2022: 17)؛ (میرعباسی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۷). با آنکه ماهیت این قطعه‌نامه‌ها از اهمیت قابل توجهی برخوردار هستند اما این استمرار، خطر ایجاد حق را برای شورای امنیت به وجود می‌آورد تا آن را در قالب یک استراتژی در موارد دیگر به کار ببرد. فلذا ایراد شکلی گرفتن به این قطعه‌نامه‌ها می‌تواند از به وجود آمدن خطرهای آتی جلوگیری کند. یکی از خطرهایی که امکان دارد از طریق استمرار به صلاحیت شورای امنیت در بحث «صلح‌سازی» به وجود آید، خطر دخالت در امور داخلی کشورها می‌باشد. همانطور که در ماده ۲(۷) منشور ملل متحد آمده، یکی از اصول سازمان ملل متحد، عدم دخالت این سازمان در امور است که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری قرار می‌گیرد و در ادامه متذکر می‌شود که این اصل به اعمال اقدام‌ها قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم منشور ملل متحد لطمه‌ای وارد نخواهد آورد که این فصل در خصوص ایجاد صلح و حفظ صلح می‌باشد و ارتباطی با صلح‌سازی ندارد.

۴-۵- راهکارهای حفظ اعتبار قطعه‌نامه جوانان شورای امنیت

با توجه به اینکه شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعه‌نامه‌هایی مانند قطعه‌نامه ۲۲۵۰ (مصوب ۲۰۱۵) صراحتاً به نقش حیاتی جوانان در برقراری و حفظ صلح بین‌المللی اشاره کرده است، پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان اعتبار چنین اسنادی را در عرصه بین‌المللی حفظ کرد؛ به‌ویژه در شرایطی که قطعه‌نامه‌های شورای امنیت در خصوص جوانان عمدتاً ماهیتی توصیه‌ای داشته و فاقد ضمانت اجرای قهری‌اند. با عنایت به این وضعیت، ارائه یک چارچوب پیشنهادی که در عین استناد به موازین حقوق بین‌الملل، به قابلیت اجرایی این قطعه‌نامه‌ها بیفزاید و از اعتبار سیاسی و عملی آن‌ها حمایت کند، ضرورتی انکارناپذیر است. در ادامه، راهکارهای پیشنهادی برای تحقق این هدف مطرح می‌گردد:

۴-۵-۱- صدور قطعه‌نامه‌ای برای ارجاع دستورات به کمیسیون صلح‌سازی

یکی از نهادهای مشورتی در عرصه بین‌الملل، کمیسیون صلح‌سازی می‌باشد. ایجاد این نهاد حاصل تصمیم مشترک شورای امنیت، مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. از آنجایی که هر مسئله‌ای را نباید به عنوان یک «تهدید» قلمداد کرد، پس ضرورتی ندارد که موضوعی همچون «جوانان» در مرتبه نخست به شورای امنیت ارجاع داده شود و رسیدگی شود. فلذا به نظر می‌رسد که ارجاع چنین مواردی به کمیسیون مطرح شده می‌تواند نقش بسزایی ایفا کند و مورد اعتراض کشورها واقع نشود.

۵-۴-۲- پیوند «مسئولیت حمایت» و «حق تعیین سرنوشت»

طبق قواعد حقوق بین‌الملل، مسئولیت اولیه در حفاظت از حق‌های شهروندان یک جامعه بر عهده‌ی دولتی است که بر آن سرزمین اعمال حاکمیت می‌کند. با این حال، در برخی موارد، به‌ویژه هنگام بروز اختلافات قومی، مذهبی، سیاسی، نژادی، جنسیتی یا سایر اختلافات، دولت مربوطه ممکن است عمداً یا از روی ناتوانی، در حمایت و حفاظت از حق‌های بشر، مایل با قادر نباشد. در چنین شرایطی، مطابق نظریه‌ای که به نام «مسئولیت حمایت» شناخته می‌شود، اگر شرایط خاصی برقرار باشد، وظیفه‌ی حفظ حق‌های آن افراد از سطح داخلی و ملی به جامعه بین‌المللی منتقل می‌شود و به نوعی تضمینی برای رعایت حق‌های اساسی بشر می‌باشد. بدین معنا که اگر دولتی از تأمین حق‌های بنیادین شهروندانش ناتوان باشد یا خود در تضييع آن حق‌ها نقش داشته باشد، حتی با وجود اصل منع مداخله که در ماده ۲ (۷) منشور سازمان ملل آمده، مسئولیت مداخله به منظور حمایت از آن شهروندان می‌تواند به جامعه‌ی جهانی واگذار شود. در سال ۲۰۰۵، طی سندی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب کرد، در خصوص مسئولیت حمایت اظهار داشت: «هر دولت به‌طور فردی مسئولیت دارد که از جمعیت‌های خود در برابر نسل‌زدایی، جنایات جنگی، پاک‌سازی قومی و جنایات علیه بشریت محافظت کند. این مسئولیت شامل پیشگیری از چنین جنایاتی، از جمله تحریک آنها، از طریق روش‌های مناسب و لازم است... جامعه بین‌المللی باید، در صورت مقتضی، دولت‌ها را تشویق و کمک کند تا این مسئولیت را اجرا کنند و از سازمان ملل در ایجاد قابلیت هشدار زود هنگام حمایت کند. همچنین جامعه بین‌المللی، از طریق سازمان ملل متحد، مسئولیت دارد که از طریق روش‌های دیپلماتیک، بشردوستانه و سایر روش‌های صلح‌آمیز، مطابق با فصل‌های ششم و هشتم منشور، کمک کند تا از جمعیت‌ها در برابر نسل‌زدایی، جنایات جنگی، پاک‌سازی قومی و جنایات علیه بشریت محافظت کند. در این زمینه، ما آماده‌ایم که به‌طور جمعی، به‌موقع و قاطع، از طریق شورای امنیت، مطابق با منشور، از جمله فصل هفتم، به‌صورت موردی و در همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای ذی‌ربط در صورت ناکافی بودن روش‌های صلح‌آمیز و شکست آشکار مقامات ملی در محافظت از جمعیت‌های خود در برابر نسل‌زدایی، جنایات جنگی، پاک‌سازی قومی و جنایات علیه بشریت، اقدام کنیم...» (A/RES/60/1, 2005: Para.138, 139).

در پی طرح دکترین مسئولیت حمایت در اجلاس سران دولت‌ها در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ شورای امنیت که پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ درصدد گسترش اختیارات و صلاحیت خود در عرصه بین‌المللی بود با تکیه بر دکترین مذکور توانست برخی از اقدامات خود را توجیه کند (Mousazadeh and Hoseinzadeh, 2020: abstract)؛ (موسی‌زاده و حسین‌زاده، ۱۳۹۹: چکیده). مسئولیت حمایت برخلاف مداخله بشردوستانه تنها شامل مداخله نمی‌شود و تأکید اولیه آن بر مسئولیت‌های حمایتی خود دولت‌ها است. پس از آن، کمک‌های بین‌المللی به دولت‌ها و در مرحله آخر و تنها در صورتی که چاره دیگری وجود نداشت، مداخلات حمایتی جامعه بین‌المللی تنها در واکنش به چهار جنایت بین‌المللی مطرح می‌شود (Abdollahi and Hosseini, 2023: 138)؛ (عبداللهی و حسینی، ۱۴۰۲: ۱۳۸).

همان‌طور که بحث شد، مفاد قطعنامه‌هایی مانند ۲۲۵۰ را می‌توان در چارچوب مورد اول دکترین مسئولیت حمایت - یعنی «مسئولیت جامعه جهانی در کمک به دولت‌ها برای محافظت از جمعیتشان» - قرار داد. از این منظر، مفاد این قطعنامه‌ها ناظر بر اقدامات پیشینی و پیشگیرانه‌ای هستند که هدف آن‌ها جلوگیری از خشونت، افراط‌گرایی و تجزیه اجتماعی در جوامع جوان‌محور است. اما چه اصل حقوقی می‌تواند «تاکید بر مسئولیت حمایتی خود دولت‌ها» در عرصه بین‌الملل را توجیه کند؟ یکی از اصولی که در ماده (۲) منشور ملل متحد و ماده (۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱ به آن اشاره شده است، حق تعیین سرنوشت می‌باشد. بر اساس این اصل، هر ملتی «حق دارد آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین کند و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌اش را پی بگیرد». در بستر داخلی، این حق مستلزم مشارکت گروه‌های مختلف جامعه، از جمله جوانان، در فرآیندهای تصمیم‌گیری است که نیازمند واکنش حمایتی دولت‌ها می‌باشد؛ در غیر این صورت، ساختار قدرت درون کشور به شکلی نابرابر و انحصاری شکل می‌گیرد که در بلندمدت منشأ تعارض‌های داخلی، نارضایتی مدنی و تزلزل صلح می‌شود. بدین معنا که رعایت حق تعیین سرنوشت به نوعی ابزار پیشگیرانه از وقوع جنایات فجیع ذکر شده در سند مجمع عمومی در سال ۲۰۰۵ می‌باشد.

با توجه به مفاهیم مطرح‌شده در بخش پیشین، ارتباط میان مسئولیت حمایت و حق تعیین سرنوشت به عنوان دو رکن اساسی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، اهمیت راهبردی پیدا می‌کند. عدم تحقق حق تعیین سرنوشت موجب می‌شود ساختار قدرت در جامعه به سمت انحصار و نابرابری سوق پیدا کند و زمینه‌های بروز بحران‌های اجتماعی و سیاسی فراهم آید. در چنین شرایطی، مسئولیت حمایت به عنوان سازوکاری مکمل از سوی جامعه بین‌المللی به منظور حمایت از جمعیت‌های آسیب‌پذیر وارد عمل می‌شود. مسئولیت حمایت، به گونه‌ای متعهد می‌شود که در صورت ناتوانی یا قصور دولت‌ها در اجرای تعهدات خود نسبت به حفاظت از حقوق اساسی شهروندانشان، جامعه جهانی وارد عمل شده و از طریق اقدامات دیپلماتیک، بشردوستانه و در صورت لزوم اقدامات قهری، مانع از وقوع جنایات بین‌المللی می‌شود. این دکترین، بر خلاف مداخله صرفاً بشردوستانه، تأکید خود را ابتدا بر توانمندسازی و حمایت از دولت‌ها قرار داده و تنها در مرحله نهایی و به عنوان گزینه آخر، مداخلات خارجی را مجاز می‌داند. در این چارچوب، رعایت حق تعیین سرنوشت به منزله پایه‌ای استوار برای مشروعیت دولت‌ها و زمینه‌ساز اجرای موفق مسئولیت حمایت شناخته می‌شود. در عرصه عملی، قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد که به ویژه به موضوع نقش جوانان در صلح‌سازی می‌پردازند، نمایانگر تلاش‌های بین‌المللی برای پیوند این دو مفهوم مهم هستند. قطعنامه ۲۲۵۰ نمونه بارزی است که ضمن تأکید بر ضرورت مشارکت جوانان، به مسئولیت دولت‌ها و جامعه جهانی در حمایت از این قشر حساس اشاره دارد.

۱. ماده (۲): توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و حق تعیین سرنوشت ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی.

۲. ماده (۱): کلیه ملل دارای حق تعیین سرنوشت هستند. به موجب حق مزبور، ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و رشد اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می‌کنند.

بر همین اساس، قطعنامه ۲۲۵۰ شورای امنیت با تأکید بر مشارکت جوانان در فرآیندهای صلح، عملاً ناظر بر اجرای حق تعیین سرنوشت در عرصه داخلی کشورها است. این مشارکت، نه تنها با اصول منشور ملل متحد مغایرتی ندارد، بلکه از آن حمایت می‌کند. بنابراین، اعتبار حقوقی و اخلاقی این قطعنامه را می‌توان با استناد به اصل حق تعیین سرنوشت تقویت کرد و از بی‌اعتبار شدن این قطعنامه جلوگیری کرد؛ چراکه این قطعنامه از دولت‌ها نمی‌خواهد نظام حکومتی خاصی را بپذیرند یا حاکمیت‌شان را واگذار کنند، بلکه خواهان مشارکت گروهی است که بخش عظیمی از جمعیت کشورها را تشکیل می‌دهد.

از این منظر، اجرای قطعنامه جوانان در واقع نوعی تحقق عملی «حق تعیین سرنوشت در عرصه داخلی کشور» است. هر دولتی که از مشارکت جوانان در سیاست‌گذاری و فرآیندهای صلح استقبال کند، در واقع در حال اجرای یک اصل تثبیت‌شده در حقوق بین‌الملل است. به‌عکس، انکار این مشارکت می‌تواند به نقض اصل تعیین سرنوشت، و به تبع آن، تهدیدی بالقوه علیه صلح داخلی و سپس صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود؛ مفهومی که شورای امنیت با استناد به مواد ۳۹ و ۴۱ ذیل فصل هفتم منشور، صلاحیت ورود دارد. فلذا منافاتی با اصل عدم مداخله مندرج در ماده ۲(۷) منشور^۲ ندارد. در نهایت، این استدلال موجب می‌شود که قطعنامه‌هایی همچون ۲۲۵۰ نه تنها ابزارهایی غیرالزام‌آور و توصیه‌ای تلقی نشوند، بلکه اسنادی در راستای اجرای اصول الزام‌آور حقوق بین‌الملل عمومی، از جمله حق تعیین سرنوشت، به‌شمار روند. این پیوند مفهومی و حقوقی، بنیانی محکم برای حفظ اعتبار قطعنامه‌های جوانان فراهم می‌آورد، و اجرای آن را از سطح توصیه‌نامه‌های سیاسی به سطح تعهدات اخلاقی و حقوقی دولت‌ها ارتقا می‌دهد. تعهداتی که ناشی از قواعد اولیه (بایدها و نبایدهای رفتاری) در حقوق بین‌الملل می‌باشد و در صورت عدم توجه به آنها، سبب روی کار آمدن قواعد ثانویه می‌شود که پاسخی به نقض قواعد اولیه و تضمین اجرای آنها می‌باشد. در نتیجه آگه حق تعیین سرنوشت مورد انکار یا تعرض واقع شود، شورای امنیت می‌تواند تضمینی برای اجرای آن باشد و پاسخی به نقض دولت ناقض دهد.

نتیجه‌گیری

این مقاله بر محدودیت صلاحیت شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص صدور قطعنامه‌های الزام‌آور در زمینه «صلح‌سازی» تأکید دارد. بر اساس تحلیل‌های حقوقی و مستندات بین‌المللی،

۱. ماده ۳۹: شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود.

بخشی از ماده ۴۱: شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا مبادرت به چه اقداماتی که متضمن به کارگیری نیروی مسلح نباشد لازم است و می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند.

۲. ماده ۲(۷): هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشور است دخالت نماید و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند. لیکن این اصل به اعمال اقدامات فوری پیش‌بینی شده در فصل ۷ لطمه وارد نخواهد آورد.

یافته‌های این مقاله موید فرضیه‌های مطرح شده است که شورای امنیت تنها در دو بُعد «ایجاد صلح» و «حفظ صلح» ذیل فصل هفت منشور ملل متحد می‌تواند قطعنامه‌های الزام‌آور تصویب کند. اما در مورد «صلح‌سازی»، که به‌عنوان فرآیندی پیچیده و بلندمدت برای حل ریشه‌ای مشکلات و جلوگیری از تکرار مخاصمه‌ها شناخته می‌شود، شورای امنیت صرفاً می‌تواند توصیه‌هایی صادر کند و صلاحیت اتخاذ تصمیم را ندارد. در این راستا، قطعنامه ۲۲۵۰ شورای امنیت در خصوص نقش جوانان در صلح و امنیت بین‌المللی، اگرچه حائز اهمیت است و به‌طور خاص به نقش جوانان در فرآیندهای صلح‌سازی اشاره دارد، اما از آنجا که این قطعنامه را رکن سیاسی سازمان ملل متحد، شورای امنیت، تصویب کرده، فاقد ویژگی الزام‌آور بوده و صرفاً به‌عنوان یک توصیه‌نامه تلقی می‌شود.

همچنین، خطر ایجاد حق مضاعف برای شورای امنیت در اتخاذ تصمیم‌های مشابه در آینده، می‌تواند موجب دخالت‌های نامشروع و خلاف مقررات سند موسس در امور داخلی کشورها شود که با اصول منشور ملل متحد در تعارض خواهد بود. در نتیجه، با وجود ماهیت مهمی که این بحث دارد، انتقاد از صلاحیت شورای امنیت در صدور چنین قطعنامه‌هایی و وارد کردن ایراد شکلی به قطعنامه‌های مذکور، نه تنها از نظر حقوقی، بلکه از منظر حفظ استقلال و حاکمیت ملی کشورهای عضو، ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش در نهایت بیان می‌کند که شورای امنیت باید در چارچوب صلاحیت‌های تفویضی خود عمل کرده و از گسترش دامنه اختیارات خود و شناخت صلاحیت ضمنی در زمینه صلح‌سازی اجتناب کند و به نظر می‌رسد که ارکان دیگر سازمان ملل متحد همچون مجمع عمومی و دیوان بین‌المللی دادگستری (برای رسیدگی به اختلافات موجود) و یا کمیسیون صلح‌سازی می‌توانند در چارچوب سند مؤسس سازمان ملل متحد در خصوص «صلح‌سازی» رسیدگی‌هایی کنند اما شورای امنیت فاقد صلاحیت تصویب قطعنامه الزام‌آور در این حوزه می‌باشد. با وجود آنکه شورای امنیت سازمان ملل متحد در چارچوب فصل هفتم منشور صرفاً در حوزه ایجاد و حفظ صلح دارای صلاحیت برای تصویب قطعنامه‌های الزام‌آور است، اما نمی‌توان نقش مفهومی و تأثیرات غیرمستقیم قطعنامه‌هایی همچون ۲۲۵۰ را در ارتقاء استانداردهای رفتاری دولت‌ها نادیده گرفت.

در این میان، استناد به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل نظیر «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها» و «دکترین مسئولیت حمایت» می‌تواند به‌عنوان مبنایی مفهومی و حقوقی برای حمایت از مفاد این گونه قطعنامه‌ها مورد استفاده قرار گیرند. مشارکت جوانان در فرآیندهای صلح و تصمیم‌سازی داخلی، تجلی عینی اجرای اصل حق تعیین سرنوشت در سطح ملی است که نهادهای بین‌المللی نیز موظف به احترام و ترویج آن هستند. بنابراین، اگرچه از منظر شکلی، قطعنامه‌هایی نظیر ۲۲۵۰ الزام‌آور تلقی نمی‌شوند، اما از حیث محتوایی با اصول عام و تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل در پیوند هستند و می‌توانند دارای اعتبار سیاسی و اخلاقی بالا باشند. این اعتبار، به‌ویژه زمانی تقویت می‌شود که مفاد قطعنامه ناظر بر پیشگیری از تنش، مقابله با افراط‌گرایی و تقویت مشارکت اجتماعی جوانان باشد. از این منظر، دولت‌ها مکلف‌اند به موجب مسئولیت‌های خود در قبال صلح داخلی و احترام به حق‌های بنیادین، نسبت به اجرای هدفمند چنین قطعنامه‌هایی اهتمام ورزند. به همین ترتیب، جامعه جهانی می‌تواند از طریق توسعه رویه‌ها، سازوکارهای نظارتی و ایجاد نهادهای مشورتی جوانان، به تقویت مشروعیت و اجرای

این اسناد کمک کند؛ بدون آنکه مداخله‌ای مستقیم کند و ناقض اصل عدم مداخله دولت‌ها باشد. همچنین در صورت عدم توجه به «حق تعیین سرنوشت»، به عنوان یک اصل تثبیت شده در حقوق بین‌الملل، شورای امنیت می‌تواند اقداماتی را ذیل فصل هفتم انجام دهد.

منابع فارسی

۱. بیگزاده، ا. (۱۴۰۲). حقوق بین‌الملل: روابط تابعان. نشر میزان.
۲. رجبی، س.، میرعباسی، ب.، صلاحی، س. (۱۴۰۰). بررسی رویه‌های تهدید حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل متحد. فصلنامه تحقیقات حقوقی، (۲۵) ۹۹، ۱۱-۴۰.
Doi:10.29252/JLR.2022.221941.1911
۳. شاه میرزایی، آ. (۱۴۰۲). سازمان‌های بین‌المللی. انتشارات مدرسان شریف.
۴. عبداللهی، م.، حسینی، ر. (۱۴۰۲). تحقق حق تعیین سرنوشت در چهارچوب مسئولیت حمایت. فصلنامه علمی پژوهش حقوق عمومی، (۲۵) ۸۰، ۱۳۶-۱۷۰. Doi: https://doi.org/10.22054/qjpl.2023.69476.2815
۵. فلسفی، ه. (۱۴۰۱). صلح جاویدان و حکومت قانون. نشر نو.
۶. موسی‌زاده، ر.، حسین‌زاده، س. (۱۳۹۹). ارزیابی عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در بهره‌گیری از دکترین مسئولیت حمایت. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۰، ۴۹۰-۴۶۵.
Doi: https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.283950.2058
۷. نژندی منش، ه.، محمدی، ک.، شاملو، س. (۱۴۰۳). جایگاه مفهوم دکترین «مسئولیت حمایت» در اصول و مبانی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر حقوق اداری. پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۲۸۹-۲۶۵. Doi: 10.22034/MRAL.2023.1989883.1437
https://www.malr.ir/article_704573.html?lang=en
۸. نجفی اسفاد، م.، سیدحسینی، س.، علیپور، م. (۱۴۰۳). معیار مشروعیت در ارزیابی عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، (۵۴) ۳، ۱۸۴۷-۱۸۶۵. Doi: https://doi.org/10.22059/jplsq.2022.332006.2913

English References

1. A/RES/70/262 (2016) . 12 May At: https://www.un.org/en/development/desa/population/migration/generalassembly/docs/globalcompact/A_RES_70_262.pdf
2. A/RES/60/1 (2005). 24 October At: https://www.un.org/en/development/desa/population/migration/generalassembly/docs/globalcompact/A_RES_60_1.pdf
3. A/RES/78/257 (2023). 28 December At: https://docs.un.org/en/A/RES/78/257
4. A/RES/40/14 (1985). 18 November At: https://docs.un.org/en/A/RES/40/14
5. A/55/305-S/2000/809 (2000). 21 August At: https://docs.un.org/en/A/55/305

6. Anderson, I. (2019). Youth, peace and security: A qualitative analysis of UNSCR 2250 and the international response to a new security agenda. *Reprosentralen, Universitetet I Oslo*. At: <https://www.duo.uio.no/bitstream/handle/10852/70674/1/Youth--Peace-and-Securiy.pdf>
7. Berents, H. (2024). Institutionalising a radical vision: The idea of youth, and the Youth, Peace and Security agenda. *Youth and sustainable peacebuilding*. Doi: <https://doi.org/10.7765/9781526176219.00017>
8. Berents, H. (2022). Power, Partnership, and Youth as Norm Entrepreneurs: Getting to UN Security Council Resolution 2250 on Youth, Peace, and Security. *Global Studies Quarterly, 1-11*.
9. Cahill-Ripley, A., Hendrick, D. (2018). Economic, social and cultural rights and sustaining peace: an introduction. *Friedrich-Ebert-Stiftung, Quaker United Nations Office, and Lancaster University*. At: <https://library.fes.de/pdf-files/bueros/genf/14400.pdf>
10. Charter of the united nations
11. Dawson, G. (2004). Peacekeeping, peacebuilding, and peacemaking: concepts, complications, and Canada's role. *Parliamentary Research Branch Library of Parliament*. At: <https://publications.gc.ca/collections/Collection-R/LoPBdP/EB-e/prb0406-e.pdf>
12. Galtung, J. (1969). Violence, peace and peace research. *Journal of Peace Research, (6)3*.
13. Gawerc, M. (2006). Peace-building: theoretical concrete perspectives. *Peace & Change*. Doi: 10.1111/j.1468-0130.2006.00387.x
14. Harland, D. (2018). The lost art of peacemaking. *Centre for Humanitarian Dialogue*. At: <https://www.hdcentre.org/wp-content/uploads/2020/05/The-lost-art-of-peacemaking.pdf>
15. International covenant on civil and political rights
16. Ozcelik, A., Nesterova, Y., Young, G., Maxwell, A. (2021). Youth-led peace: The role of youth in peace processes. *University of Glasgow*. At: <https://eprints.gla.ac.uk/242178/2/242178.pdf>
17. Report of the secretary-general's high-level panel on threats, challenges and change. (2004). A more secure world: Our shared responsibility. *United Nations*. At: https://www.un.org/peacebuilding/sites/www.un.org.peacebuilding/files/documents/hlp_more_secure_world.pdf
18. S/RES/1645 (2005). 20 December At: [https://docs.un.org/en/S/RES/1645\(2005\)](https://docs.un.org/en/S/RES/1645(2005))
19. S/PV.7573 (2015) 9 December At: <https://docs.un.org/en/S/PV.7573>
20. Stradiotto, L. (2024). Youth, peace and security. At: https://www.researchgate.net/publication/385738202_YOUTH_PEACE_AND_SECURI

TY

21. The UN Secretary-General's (1992). Agenda for Peace report. At: <https://digitallibrary.un.org/record/145749?v=pdf>
22. UN Peacebuilding support office. (2010). UN peacebuilding: an orientation. *United Nations*. At: https://www.un.org/peacebuilding/sites/www.un.org.peacebuilding/files/documents/peacebuilding_orientation.pdf

Translated References to English

1. Abdollahi, M., Hosseini, R. (2023). Realization of the right to self-determination in the framework of R2P. *Journal of Public Law Research*, (25)80, 136-170. Doi: <https://doi.org/10.22054/qjpl.2023.69476.2815> **(In Persian)**
2. A/RES/70/262 (2016) . 12 May At: https://www.un.org/en/development/desa/population/migration/generalassembly/docs/globalcompact/A_RES_70_262.pdf
3. A/RES/60/1 (2005). 24 October At: https://www.un.org/en/development/desa/population/migration/generalassembly/docs/globalcompact/A_RES_60_1.pdf
4. A/RES/78/257 (2023). 28 December At: <https://docs.un.org/en/A/RES/78/257>
5. A/RES/40/14 (1985). 18 November At: <https://docs.un.org/en/A/RES/40/14>
6. A/55/305-S/2000/809 (2000). 21 August At: <https://docs.un.org/en/A/55/305>
7. Anderson, I. (2019). Youth, peace and security: A qualitative analysis of UNSCR 2250 and the international response to a new security agenda. *Reprosentralen, Universitetet I Oslo*. At: <https://www.duo.uio.no/bitstream/handle/10852/70674/1/Youth--Peace-and-Security.pdf>
8. Beigzadeh, E. (2023). International law: Subordinate relations. *Mizan Publication*. **(In Persian)**
9. Berents, H. (2024). Institutionalising a radical vision: The idea of youth, and the Youth, Peace and Security agenda. *Youth and sustainable peacebuilding*. Doi: <https://doi.org/10.7765/9781526176219.00017>
10. Berents, H. (2022). Power, Partnership, and Youth as Norm Entrepreneurs: Getting to UN Security Council Resolution 2250 on Youth, Peace, and Security. *Global Studies Quarterly*, 1-11.
11. Cahill-Ripley, A., Hendrick, D. (2018). Economic, social and cultural rights and sustaining peace: an introduction. *Friedrich-Ebert-Stiftung, Quaker United Nations Office, and*

- Lancaster University*. At: <https://library.fes.de/pdf-files/bueros/genf/14400.pdf>
12. Charter of the united nations
 13. Dawson, G. (2004). Peacekeeping, peacebuilding, and peacemaking: concepts, complications, and Canada's role. *Parliamentary Research Branch Library of Parliament*. At: <https://publications.gc.ca/collections/Collection-R/LoPBdP/EB-e/prb0406-e.pdf>
 14. Falsafi, H. (2022). Perpetual peace and rule of law. *Nashre Now Publication*. **(In Persian)**
 15. Galtung, J. (1969). Violence, peace and peace research. *Journal of Peace Research*, (6)3.
 16. Gawerc, M. (2006). Peace-building: theoretical concrete perspectives. *Peace & Change*. Doi: 10.1111/j.1468-0130.2006.00387.x
 17. Harland, D. (2018). The lost art of peacemaking. *Centre for Humanitarian Dialogue*. At: <https://www.hdcentre.org/wp-content/uploads/2020/05/The-lost-art-of-peacemaking.pdf>
 18. Hosseini, S., Najafi Asfad, M., Alipour, M. (2024). The criteria for evaluating the legitimacy of UN peacekeeping operations. *Public Law Studies Quarterly*, (54)3, 1847-1865. Doi: <https://doi.org/10.22059/jplsq.2022.332006.2913> **(In Persian)**
 19. International covenant on civil and political rights
 20. Najandimanesh, H., Mohammadi, K., Shamlou, S. (2024). The position of the concept of the doctrine of responsibility to protect in the principles and foundations of the legal system of the Islamic Republic of Iran with an emphasis on administrative law. *Journal of Modern Research on Administrative Law*, 265-289. Doi: 10.22034/MRAL.2023.1989883.1437 At: https://www.malr.ir/article_704573.html?lang=en **(In Persian)**
 21. Mousazadeh, R., Hoseinzadeh, S. (2020). The assessment of the practice of the UN security council on the use of R2P. *Public Law Quarterly*, 50, 465-490. Doi: <https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.283950.2058> **(In Persian)**
 22. Ozcelik, A., Nesterova, Y., Young, G., Maxwell, A. (2021). Youth-led peace: The role of youth in peace processes. *University of Glasgow*. At: <https://eprints.gla.ac.uk/242178/2/242178.pdf>
 23. Report of the secretary-general's high-level panel on threats, challenges and change. (2004). A more secure world: Our shared responsibility. *United Nations*. At: https://www.un.org/peacebuilding/sites/www.un.org.peacebuilding/files/documents/hlp_more_secure_world.pdf
 24. Rajabi, S., Mir Abbasi, B., Salahi, S. (2022). Review veto procedures in the UN security council. *Legal Research Quarterly*, (25)99, 11-40. Doi:10.29252/JLR.2022.221941.1911 **(In Persian)**
 25. S/RES/1645 (2005). 20 December At: [https://docs.un.org/en/S/RES/1645\(2005\)](https://docs.un.org/en/S/RES/1645(2005))

26. S/PV.7573 (2015). 9 December At: <https://docs.un.org/en/S/PV.7573>
27. Shahmirzaei, A. (2023). International organizations. *Modaresan Sharif Publication*. **(In Persian)**
28. Stradiotto, L. (2024). Youth, peace and security. At: https://www.researchgate.net/publication/385738202_YOUTH_PEACE_AND_SECURITY
29. The UN Secretary-General's (1992). Agenda for Peace report. At: <https://digitallibrary.un.org/record/145749?v=pdf>
30. UN Peacebuilding support office. (2010). UN peacebuilding: an orientation. *United Nations*. At: https://www.un.org/peacebuilding/sites/www.un.org.peacebuilding/files/documents/peacebuilding_orientation.pdf

